



**Metaphysics**

University of Isfahan E-ISSN: 2476-3276  
Vol. 17, Issue 2, No. 40, Autumn and Winter 2025

(Research Paper)

## **Explanation and criticism of Keith Ward's view on the problem of evil**

**Hajar Babajanpur**

PhD student, Department of Philosophy and Islamic Theology, Payame Noor University, Tehran, Iran  
hajarbabajanpur@gmail.com

**Yadollah Rostami**  \*

Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Payame Noor University, Tehran, Iran  
rostami17@pnu.ac.ir

**Alireza Mosadeghi**

Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Payame Noor University, Tehran, Iran  
a.mosadeghi@pnu.ac.ir

**Mehdi Khademi**

Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Payame Noor University,  
Tehran, Iran  
mehdi.khademi@pnu.ac.ir

### **Abstract**

Keith Ward is one of the philosophers of religion who has dealt with the issue of God and his relationship with the world and the evil in it. In explaining his point of view, he first deals with the concept of God, whose existence is necessary. The necessary description of God, who is of course powerful and purely benevolent, requires the creation of the world from nothing, which gives value and beauty to the world by performing this act; a world whose creatures should be independent and free. But these attributes of the world, i.e. freedom and independence, require the presence of evil in it, in the sense that such a world cannot be without the possibility of evil and suffering. Of course, he believes that in the other world (the afterlife), people will reach eternal happiness and the wicked will perish. There are criticisms of Kate Ward's view that the Almighty and benevolent God should not prescribe evil. The independence of the world does not need suffering and God can create an independent world without suffering. Even if independence is important for the world, it is not worth all this suffering, and it would be better if humans and the world had less independence.

**Keywords:** Keith Ward, God, Creation, Independence, Evil (pain and suffering).

---

\* Corresponding Author

This is an open access article under the CC-BY-NC-ND 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



: [10.22108/mph.2024.142459.1584](https://doi.org/10.22108/mph.2024.142459.1584)





دوفصلنامه علمی متافیزیک

دوره ۱۷، شماره دوم (پیاپی ۴۰)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴ ص ۶۶-۵۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۵/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲

(مقاله پژوهشی)

## تبیین و نقد دیدگاه کیت وارد دربارهٔ مسأله شر

هاجر باباجان پور: دانشجوی دکتری گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

hajarbabajanpur@gmail.com

یداله رستمی \*<sup>ID</sup>: استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

rostami17@pnu.ac.ir

علیرضا مصدقی: استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

a.mosadeghi@pnu.ac.ir

مهدی خادمی: استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

mehdi.khademi@pnu.ac.ir

### چکیده

کیت وارد یکی از فلاسفهٔ دین است که موضوع خدا و رابطه‌اش با جهان و شرور موجود در آن را بررسی کرده است. او در تبیین دیدگاه خود، ابتدا مفهوم خدا را بررسی می‌کند که وجودش ضروری است. وصف ضروری خدا که البته قدرتمند و خیرخواه محض است، مستلزم آفریدن جهان از عدم است که با انجام این عمل، به جهان ارزش و زیبایی می‌بخشد؛ جهانی که موجودات آن باید مستقل و نامتعین باشند. اما لازمهٔ این اوصاف جهان، یعنی آزادی و استقلال، وجود شرور در آن است؛ به این معنا که چنین جهانی نمی‌تواند فاقد امکان شرور و درد و رنج باشد. البته، او باور دارد در جهان دیگر (حیات پسین)، انسان‌ها به سعادت جاودانه می‌رسند و شرور از بین می‌روند. انتقادهایی بر دیدگاه کیت وارد وجود دارند؛ اینکه خدای قادر و خیرخواه نباید شرور را تجویز کند و استقلال جهان نیازی به رنج ندارد و خداوند می‌تواند جهانی مستقل و عاری از رنج بیافریند. حتی اگر استقلال برای جهان بااهمیت باشد، ارزش این همه رنج را ندارد و اگر موجودات جهان واجد استقلال کمتری بودند، بهتر بود.

واژگان کلیدی: کیت وارد، خدا، جهان آفرینش، استقلال، شرور (درد و رنج).

\* نویسنده مسئول

This is an open access article under the CC-BY-NC-ND 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



doi 10.22108/mp.2024.142459.1584

## ۱. مقدمه

به وجود آید که قدرتمندتر از او باشد و شرور زیادی را در جهان ایجاد کند؛ بنابراین، همه موجودات جهان تحت کنترل و مهار خداوند هستند. البته، وارد باور دارد: «وجود ضروری خدا مستلزم این است که در آینده همه چیز خوب و خیر شود» (Ward, 2006, p. 18).

مفهوم خدای ضروری به این معناست که وجود او عین ماهیت اوست و خداوند نمی‌تواند ماهیت خود را انتخاب کند. وارد در اینجا به صفت عشق و خیرخواهی خدا اشاره می‌کند و معتقد است او مقدار لازم قدرت را نیز دارد (Ward, 1996, p. 171). به نظر کیت وارد، قدرت بی‌کران و نامتناهی، رازآمیز، نادقیق و پیچیده است؛ اما در عین حال، او باور دارد خداوند قادر مطلق است و قدرت مطلق او به این معناست که او علت هر چیزی است و تا آنجا که ممکن است قدرتمند است (Ward, 1982, p. 91)؛ به تعبیر دیگر، قدرت ممکن را دارد.

اما پرسشی که ممکن است به ذهن خطور کند این است که آیا لازمه ذات و ماهیت ضروری خداوند این است که او باید جهان فعلی را بیافریند. به نظر وارد، از آنجا که خداوند عاشق و خیرخواه است و در پی به اشتراک گذاشتن این صفات است، لزوماً باید جهانی را ایجاد کند. او می‌گوید خداوند ضرورتاً هر ویژگی که دال بر خیر است را دارد و خیر امری عینی و بخشی از ذات خداوند است؛ به عبارت دیگر، خداوند تجسم خیر است و خیر با وجود خداوند پیوند خورده است (Lancaster-Thomas, 2019, pp. 38-39)؛ اما این بدان معنا نیست که او ضرورتاً جهان موجود را خلق کند. وارد ترکیب ضرورت (یعنی باید جهانی را بیافریند) و اقتضا (لزوماً نباید این جهان فعلی را خلق کند) را به عنوان دیدگاهی منسجم تلقی می‌کند که متعلق به مفهومی از قدرت مطلق است که لازمه‌اش خلق آزادانه است. هنگامی که خداوند به صورت اقتضایی یا به تعبیری مشروط (یعنی نه خلقت این جهان خاص) عمل می‌کند، فرصت برای واکنش و پاسخ به اعمال مشروط و احتمالی انسان‌ها دارد؛ یعنی به نوعی خداوند برای توجیه اعمال انسان‌ها در دسترس

یکی از مسائلی که دغدغه و دل‌مشغولی فلاسفه و الهی‌دانان در تاریخ تفکر بشری بوده است، مسأله شر و ارتباط آن با صفات خداوند، یعنی قدرت مطلق و خیرخواهی علی‌الاطلاق او است. اینکه چگونه می‌شود در جهانی که تحت سیطره قدرت و خیرخواهی بی‌نهایت خدا است، شر وجود پیدا کند. خدایی که قدرت و خیرخواهی او بی‌کران است، چگونه اجازه می‌دهد در جهان چنین شرور ترسناکی وجود داشته باشند.

کیت وارد<sup>۱</sup> فیلسوف و الهی‌دان انگلیسی معاصر است که این نظرگاه، یعنی خداوند، جهان و شر را توجیه کرده است. او در ابتدا مفهوم و چیستی خداوند را مطرح می‌کند، سپس ارتباط او با جهان و به تعبیری فلسفه خلقت جهان را بیان می‌کند و در نهایت، با توجه به خدایی که این‌گونه جهانی را آفریده است و البته برای آفرینش آن دلایلی دارد، مسأله شر را توجیه و تبیین می‌کند. او دلایلی متعدد برای توجیه آفرینش و شر موجود در آن ارائه می‌کند.

## ۲. مفهوم خداوند

به نظر کیت وارد، از آنجا که خداوند موجودی است که جهان را از عدم آفریده است، ضرورتاً وجود دارد؛ یعنی نمی‌تواند وجود نداشته باشد و امکان ندارد خداوند غیر از آن چیزی است که باشد و نمی‌تواند ذات خود را تغییر دهد (Ward, 2015, p. 49). او به این دلیل بر ضرورت وجود خداوند تأکید می‌ورزد که اگر وجود ضروری خداوند دلیل وجود داشتن اوست و در واقع، در پاسخ به این پرسش که چه کسی خدا را آفریده است باید گفت هیچ چیز و هیچ کس خدا را نیافریده است. درک این که خداوند ضروری است، درک و فهم این مطلب است که او قائم بالذات است و خداوند قوی‌ترین موجودی است که وجود دارد (Ibid). به نظر او، اگر وجود خداوند مشروط باشد، ممکن است خدای دیگری

<sup>۱</sup> Keith Ward

بر ارزش معنوی و زیبایی‌های جهان تأکید کند و به تأمل در شگفتی‌های آفرینش و توانایی بشر اهمیت می‌دهد. دلیل دوم این است: «با ایجاد این جهان، خداوند ارزش‌هایی بی‌بدیل و منحصر به فرد را به وجود می‌آورد که در غیر این صورت، آن‌ها وجود نداشتند» (Ibid, p. 27)؛ یعنی این ارزش‌ها صرفاً همراه با آفریدن جهان محقق می‌شوند. دلیل سوم این است: «خداوند، خودش نیز انواعی از ارزش‌های جدید را تجربه کرده است» (Ibid, p. 30)؛ گویا خداوند، در صورت عدم خلقت عالم، فاقد این ارزش‌ها بود. دلیل چهارم این است: «جهان، تخیل یا به تعبیری تصورات خداوند است. همان‌طور که هر یک از ما انسان‌ها واجد تصوراتی بی‌شمار در اذهان خود هستیم، جهان هم تصورات خداوند است» (Ibid, p. 32). جهان و آفرینش‌های زیبا و پیچیده آن نشان‌دهنده تصویر و خلقت خداوند است. در واقع، این دلیل، عظمت زیبایی‌های جهان را با استفاده از مفهوم خلاقیت و تصویرسازی الهی توصیف می‌کند. دلیل پنجم این است: «آفرینش جهان این امکان را برای خداوند فراهم می‌کند که با موجودات وارد رابطه شخصی و انسان‌وار و عاشقانه شود و انجام این کار بخشی از ذات و ماهیت او به عنوان خدای عشق است» (Ibid, p. 36). خدایی که ذات او عشق است، با آفریدن موجودات وارد رابطه عاشقانه و نزدیک با آن‌ها می‌شود.

به نظر کیت وارد، زیبایی و عشق اهداف اصلی خداوند از آفرینش جهان هستند. او همچنین باور دارد: «عشق معنای غایی جهان آفرینش است» (Ward, 2006, p. 195). زیبایی به کل جهان اشاره دارد و یک ویژگی عام برای جهان است؛ اما می‌توان از عشق و خیر، به عنوان آنچه زیبا است بهره برد و می‌توان به آنچه زیباست، عشق ورزید. بنابراین، این اهداف تا حدودی با هم، هم‌پوشانی دارند. خیر و زیبایی مصادیقی از زیبایی جهان‌شمول هستند. توجه به آزادی و استقلال انسان را نیز می‌توان با عشق ادغام و یکپارچه کرد تا به نوعی عشق آزاد و مستقل منجر شود؛ اما آیا صرفاً آزادی و استقلال انسان

است. عقیده وارد به خدایی که از بعضی لحاظ و جنبه‌ها ضرورت دارد و از بعضی لحاظ آزاد و مختار است، یادآور آموزه خدای دوقطبی و ایتهد<sup>۱</sup>، فیلسوف مشهور پوشی است. وارد باور دارد: «نظریه خدای دوقطبی نکته‌ای مثبت است؛ در غیر این صورت، خدا بسیار منفعل عمل می‌کند» (Ward, 2006, p. 16).

از نظر و ایتهد، خدا دارای دو نوع ذات است. ذات اولی<sup>۲</sup> و ذات تبعی<sup>۳</sup>. ذات اولی خدا، همان خدا به تنهایی یا ذات خدا فی نفسه است. این ذات ابزاری را فراهم می‌کند که توسط آن، خدا همه قابلیت‌ها را درک می‌کند و بستری را که قابلیت‌هایی ویژه در آن تحقق می‌یابند، فراهم می‌کند. از سوی دیگر، ذات تبعی خدا، رابطه بالفعل خدا با واقعیت‌های فیزیکی است (Ledbetter, 2013, p. 993). عمل خدا نیز بر مبنای وجود این دو ذات، به شیوه دوقطبی است.

### ۳. هدف خداوند از آفرینش جهان از دیدگاه کیت وارد

کیت وارد دیدگاهی واحد درباره اهداف خداوند از خلقت جهان ندارد. او در ابتدا می‌گوید: «هدف او از این عمل، عشق و رابطه است» (Ward, 1996, p. 191). از سوی دیگر، او باور دارد خدا جهان را به خاطر زیبایی‌اش به وجود آورده است. گاهی نیز او، هدف خداوند را ایجاد موجودات ذی‌شعور خودآگاه و خودفرمانروا و آزاد تلقی می‌کند (Ibid).

کیت وارد در یکی از آثارش به نام *فعل خداوند*، پنج دلیل را برای آفرینش عالم بیان می‌کند. دلیل اول این است: «خداوند به ارزشمندی جهان، با آفرینش موجوداتی که مستعد قدردانی و ارزش بخشیدن به جهان هستند، می‌افزاید» (Ward, 1990, p. 23). به نظر می‌رسد منظور او از این موجودات، انسان‌ها هستند که جهان خالی از آن‌ها، از ارزشی کمتر برخوردار است. این نگرش ممکن است

<sup>1</sup> Whitehead

<sup>2</sup> Primordial nature

<sup>3</sup> Consequence nature

کیت وارد ابتدا بار دیگر بحث اهداف خلقت را پیش می‌کشد تا به دنبال آن مسأله شر را توجیه کند. ذات ضروری خداوند و هدف او از آفریدن انسان‌های مستقل به منظور تحقق نوعی ویژه از عشق دو نکته مهم و اصلی در توجیه او از مسأله شر هستند. به نظر وارد، برای تحقق این هدف، خداوند باید جهانی را بیافریند؛ اما در انتخاب اینکه چه نوع جهانی را بیافریند، آزاد است و برای تحقق به هدف خود که آفریدن انسان مستقل است، باید جهانی قانون‌مند و معقول بسازد.

به طور کلی، خداوند خواستار این نیست که در جریان نظامی که برای جهان و خلقت خود ایجاد کرده است دخالتی کند و آن‌ها را بر هم بزند. اگر این دخالت‌ها به طور مداوم انجام شوند، ممکن است چالشی برای عملکرد منظم و تعادلی که در جهان وجود دارد، ایجاد شود (Ibid, p. 132). طبق این دیدگاه، خداوند با نظم و برنامه‌ریزی‌های طبیعی جهان هماهنگ است. به نظر می‌رسد می‌توان بین دو نوع نظم یا قانون تمایز قائل شد. یک نوع آن، همان قواعد فیزیکی و طبیعی حاکم بر جهان است. به نظر وارد، خداوند نمی‌تواند این نوع نظم را بیش از حد بر هم بزند و مختل کند؛ زیرا امروزه علوم طبیعی به ما نشان می‌دهد جهان بسیار به هم مرتبط است. این موضوع که خداوند نمی‌تواند این نظم را بر هم بزند به معنای این است که سیستمی وجود دارد که توانایی مقاومت در برابر دخالت‌های خدا را دارد. این پیوستگی بین امور جهان معمولاً به عنوان «تأثیر پروانه» توصیف می‌شود؛ به این علت که بر اساس نظریه خلقت از آشوب [این نظریه که جهان از ماده اولیه‌ای که حالت آشوبناکی دارد، نه نیستی محض، ایجاد شده است]، گاهی اوقات نوسانات کوچک می‌توانند اثراتی در مقیاس بزرگ داشته باشند که نمونه آن، بال زدن بال‌های پروانه است که به وقوع طوفانی در طرف دیگر جهان منجر شود. وارد از نظریه خلقت از آشوب برای توجیه و تبیین نحوه تعامل و ارتباط خدا با جهان استفاده نمی‌کند. او استدلال می‌کند: «به هم پیوستگی جهان حاکی از این است که فهم این

اهداف اصلی خداوند از آفرینش هستند و خداوند به خاطر آن‌ها جهان را خلق کرده است؟ به نظر می‌رسد او در کتاب *فعل الهی*، انسان‌های آگاه را اهداف اصلی آفرینش تلقی کرده است.

اما در اثر دیگرش، انسان‌ها را صرفاً جزئی کوچک و ناچیز و در عین حال، هماهنگ و یکپارچه از جهانی بزرگ‌تر می‌داند که خداوند برای آن‌ها به خاطر خودش، ارزش قائل است (Ibid, pp. 7, 16). شاید بتوان گفت انسان‌ها هدف اصلی از خلقت جهان نیستند؛ اما جزئی مهم از جهانی هستند که ممکن است موجودات آگاه دیگری نیز در آن وجود داشته باشند. بر این اساس، این مطلب که برای مثال، زندگی دایناسورها یک نوع اتلاف وقت بود، تا اینکه انسان‌ها وارد جهان شوند و خداوند نیز منتظر آن‌ها بود، درست به نظر نمی‌رسد. کیت وارد دایناسورها را دستاوردی زیبا و عظیم تلقی می‌کند که خداوند به خاطر خود آن‌ها، خلقشان کرد (Ward, 1998, p. 26). طبق این دیدگاه، خداوند از آفریدن تک‌تک موجودات لذت می‌برد و همه آن‌ها مطلوب خداوند هستند و یک موجود قادر مطلق درد و رنج به دیگران تحمیل نمی‌کند و دلیلی موجه برای آسیب رساندن به دیگران ندارد (Ward, 2015, p. 44).

#### ۴. مسأله شر از دیدگاه کیت وارد

کیت وارد در ابتدا به شبهه معروف دیوید هیوم<sup>۱</sup> که به نوعی نقل به مضمون می‌کند، اشاره دارد؛ خدای خیرخواه علی‌الاطلاق و قادر مطلق، خواستار ایجاد رنج نیست و او قادر به جلوگیری از پیدایش هر گونه رنجی است؛ اما مقدار زیادی از رنج وجود دارد. بنابراین، خالق و آفریننده خیرخواه و قادر مطلق وجود ندارد (Ward, 1990, p. 38) دغدغه اصلی وارد حل ناسازگاری، مواجهه با درد و رنج عذاب‌آور انسان‌ها و باور به وجود خداوند است. به نظر او، خدا باوران باید نشان دهند چنین ناسازگاری وجود ندارد.

<sup>1</sup> David Hume

باشند. این امر به این نتیجه منجر می‌شود که وجود ما نه فقط اتفاقی نیست، بلکه نتیجه این تنظیمات دقیق است. با توجه به این نکته، ما صرفاً می‌توانیم در نوعی مشخص از جهان وجود داشته باشیم و ما در جهانی تنظیم شده زندگی می‌کنیم. طبق اصل انسان‌محوری و به هم پیوستگی جهان، ممکن است صرفاً محدوده‌ای کوچک از امکان‌ها برای ایجاد زندگی انسانی وجود داشته باشد؛ به طوری که ممکن است بعضی از درد و رنج‌ها ناشی از عدم تعیین قوانین ضروری باشند. این تنها امکانی بود که خدا برای آفرینش ما انسان‌ها داشت (Ward, 1998, p. 103). این دیدگاه، به طور کلی، به خلاقیت، معنا و هدفی که پشت آفرینش جهان و موجودات جهان نهفته است، اشاره دارد.

وارد معتقد است خداوند هم می‌خواهد و هم می‌تواند در جهان عمل کند و بر آن تأثیر بگذارد و با انسان‌ها در ارتباط است و به آن‌ها کمک می‌کند و در واقع، خودش را آشکار و متجلی می‌کند؛ اما در عین حال، این باور را نیز دارد که نظام جهان گاهی خداوند را محدود می‌کند و در نتیجه، خداوند نمی‌تواند عملی را انجام دهد؛ یعنی شرایطی وجود دارد که محدودیت‌هایی را برای خدا ایجاد می‌کند؛ به طوری که قادر به عمل کردن نیست. اگرچه کیت وارد باور دارد خداوند گاهی تصمیم بر عمل نکردن می‌گیرد، او تمایلی به پذیرش این نکته ندارد که خداوند شرور را به این علت تجویز می‌کند که انسان‌ها به رشد اخلاقی برسند. البته، گاهی اگر نظام این جهان به هم پیوسته و در هم پیچیده، به اصطلاح خدا را در شرایط و موقعیت دو امکان جایگزین و بدیل برای تأثیرگذاری قرار دهد، به شرطی که صرفاً عمل بتواند محقق شود، ممکن است در تصمیم و عمل خداوند، ملاحظاتی برای رشد اخلاقی در نظر گرفته شوند (Ward, 2006, p. 212).

خداوند این جهان را آفریده است؛ اگرچه او می‌توانست نظامی دیگر از آفرینش را بیافریند و کل این فرآیند موجود را متوقف کند. اما آیا این بدان معناست که خداوند خواستار رنج کشیدن ما انسان‌ها است؟ وارد برای حل این مسئله (شر) به تمایز میان اراده ازل و تبعی

موضوع که چه روزنه‌هایی برای خداوند وجود دارند که در یک چنین سیستم پیچیده‌ای بدون اختلال زیاد عمل کند، دشوار است» (Ibid, p. 62)؛ اما شاید این عقیده به ذهن ما خطور کند که خداوند معمولاً می‌تواند بدون بر هم زدن نظم فیزیکی جهان عمل کند. در اینجا است که باید به ساختار یا نظم دیگری اشاره کرد. بر این اساس، خداوند ساختاری در جهان ایجاد کرده است که موجودات در آن به صورت مستقل بر اساس تصمیم‌ها و اهداف خودشان عمل می‌کنند؛ بنابراین، هنگامی که خداوند در جهان عمل می‌کند و تغییرات را در جهان ایجاد می‌کند، این امر ممکن است با استقلال موجودات تداخل داشته باشد و آن را مختل کند، حتی اگر قوانین و رویه‌های ثابت جهان طبیعی تقریباً ثابت بمانند. به نظر می‌رسد شواهد دینی دال بر استقلال جهان وجود دارد. در سفر پیدایش (۱:۲۸) آمده است که خدا به انسان‌ها می‌گوید باید بر زمین چیره شوند و بر آن سلطنت داشته باشند، یا عبارت‌هایی مانند بگذار زمین گیاهان را برویاند (۱:۱۱).

خداوند خواستار این است که جهان انسانی را به طور مستقل ایجاد کند؛ اما، ما نمی‌دانیم خداوند تا چه حد می‌خواهد جهان مستقل باشد و از سوی دیگر، پیامدهای اعمال خداوند را به صورت کامل مشاهده نمی‌کنیم. گاهی اوقات ممکن است فرصتی یا به اصطلاح دریچه‌ای برای خداوند وجود داشته باشد که به انسان‌ها کمک کند یا بیماری آن‌ها را شفا دهد، بدون اینکه خلل زیادی در سیستم جهان ایجاد کند؛ ولی بعضی اوقات این امکان وجود ندارد و برای ما انسان‌ها غیرممکن است بدانیم چه زمانی این اتفاق ممکن است رخ دهد. این امر نشان می‌دهد ما انسان‌ها با علم محدود خود نمی‌توانیم تمام جوانب مقدرات الهی را درک کنیم و باید به اراده و حکمت خداوند اعتماد کنیم.

علاوه بر اصل به هم پیوستگی جهان، اصل انسان‌محوری نشان می‌دهد نظام جهان به نحوی بسیار دقیق تنظیم شده است که اگر به اصطلاح پارامترهای آن اندکی متفاوت بودند، انسان‌ها ممکن بود وجود نداشته

متوسل می‌شود. خداوند از قبل خواستار وجود یک جهان فاقد وقوع شرور است؛ اما اگر آن‌ها، یعنی شرور، نتیجه ضروری چنین جهانی هستند و وجودشان غیرقابل اجتناب است، در این صورت، مشمول اراده تبعی خداوند قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، خداوند قبل از خلقت جهان، ممکن است خواستار نوعی از جهان، بدون اینکه از قبل شرور در آنجا رخ دهند، باشد؛ اما اگر این شرور مؤلفه ضروری این جهان باشد، آن وقت باید وقوع آن‌ها را بخواهد. به عبارت دقیق‌تر، خداوند ممکن است در یک نگاه کلی و از منظر خود، خواستار جهانی با امکان‌های شر باشد، بدون اینکه خواستار این باشد که این شرور از مرحله بالقوگی به فعلیت برسند (Ward, 1990, p. 48).

وارد معتقد است امکان‌های طبیعی شر در این جهان و به تبع وقوع آن‌ها، از قوانین طبیعت و عدم تعین در این جهان نشأت می‌گیرند؛ یعنی شرور لازمه قوانین طبیعی و آزادی ذاتی هستند که در جهان وجود دارند و از این امر ناشی می‌شوند که همه امور از قبل متعین نشده‌اند. میزان شرور واقعی در این جهان بحث‌برانگیز است و به نظر می‌رسد ادعای وارد این نیست که خداوند می‌تواند این شرور را متوقف کند اما آن‌ها را تجویز می‌کند، بلکه او می‌گوید با توجه به مقدار قدرتی که خداوند دارد و با اهدافی که برای جهان در نظر گرفته است، لزوماً نتیجه می‌شود این مقدار از رنج باید وجود داشته باشد (Ward, 1998, p. 10). معنای این دیدگاه این است که به نوعی، قدرت خدا و امکان‌هایی که در اختیار دارد، تعیین‌کننده میزان درد و رنج در دنیا است و این مقدار از شر اجتناب‌ناپذیر است.

به هر حال، خدا این جهانی که ما انسان‌ها در آن ساکن هستیم را خلق کرده است؛ اما آیا چنین جهانی ارزشمند است؟ آیا بهتر نبود که آن را نمی‌آفرید؟ به عبارت دیگر، آیا جهان با وجود درد و رنج‌های آن، بهتر از عدم آن است؟ وارد در پاسخ به این پرسش، موضوع حیات جاودانه را پیش می‌کشد. او باور دارد خداوند صرفاً با علم به این موضوع که می‌تواند رنج را تا حدی زیاد جبران کند، این دنیا را با خطری عظیم خلق کرده

است. از آنجا که خداوند با اهدای سعادت ابدی به همه انسان‌ها رنج‌ها را جبران خواهد کرد و به بشریت خوشی جاودانه اعطا می‌کند، زیرا بسیاری از انسان‌ها در زندگی این جهانی فرصتی برای زندگی خوش نداشته‌اند، او نیز معتقد است همه انسان‌ها این لذت جاودانه را انتخاب می‌کنند و خواستار آن هستند. وارد جاودانگی را برای توجیه دیدگاه خود درباره مسئله شر بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: «باید برای انسان‌ها و حیوانات، بعد از مرگ زندگی خوش فراهم شود تا درد و رنجی که در این دنیا تحمل کرده‌اند جبران شود» (Ward, 2006, p. 139). گاهی او می‌گوید: «زندگی پس از مرگ برای موجودات ذی‌شعور وجود خواهد داشت»، بدون اینکه دقیقاً مشخص کند کدام موجودات در کدام مقوله قرار می‌گیرند. او ابتدا فقط از موجودات ذی‌شعور صحبت می‌کند، سپس به کسانی اشاره می‌کند که درد را احساس می‌کنند و از حیواناتی سخن می‌گوید که احساس خودپایداری دارند و ادامه وجود را ادراک می‌کنند (Ibid, p. 65).

به نظر وارد، اگر شر نه به عنوان وسیله، بلکه امکان ضروری تلقی شود و نتیجه آن سعادت ابدی باشد، پذیرفتنی است. در واقع، اگر شرور این جهانی به خیر جاودانه منجر شوند، در این صورت موجه هستند. کیت وارد، با این استدلال که به طور کلی خیر عظیم ارزش رنج اندک دارد، به این معنا که خیر اصولاً می‌تواند بر شر بچربد، از این دیدگاه دفاع می‌کند. اما او این دیدگاه را توجیه واقعی شرور نمی‌داند؛ زیرا آن‌ها خواسته خداوند نیستند، بلکه باید آن‌ها را از بین ببرد. ممکن است کسی این نکته را بپذیرد که به طور کلی سعادت ابدی، جهان را بهتر از زمانی خواهد کرد که فاقد این ویژگی باشد؛ یعنی اگر لذت جاودانه وجود داشته باشد، زندگی دنیا بهتر از زمانی خواهد بود که این خیر وجود نداشته باشد. اما وارد این پرسش را مطرح کند که چرا این جهان بهتر نیست. به عبارت دیگر، آیا بهتر از آن نمی‌شد؟ وارد معتقد است آفرینش این جهان عملاً و چه بسا تنها راه برای خداوند بود که ما را به عنوان انسان‌های مستقل خلق کند؛ یعنی

خداوند جهانی را ایجاد کند که در آن، موجودات همیشه خیر را انتخاب کنند، چنین موجوداتی واقعاً آزاد نیستند؛ زیرا انتخاب آزادانه بین خیر و شر به آن‌ها داده نشده است و خداوند نمی‌تواند جهانی را با موجودات آگاه، بدون اینکه میزانی از شر در آن‌ها باشد، بیافریند (Ward, 2008, p. 92).

به نظر می‌رسد دیدگاه کیت وارد حاکی از این است که جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، تنها عالمی است که خداوند قادر بود ایجاد کند (Ward, 2006, p. 136) و دنیای موجود، بهترین دنیایی است که خداوند می‌توانست بسازد و هیچ جهان دیگری قابل تصور نیست که بهتر از این باشد. خداوند تصمیم به ایجاد این جهان گرفت و به منظور آفریدن موجوداتی با آزادی مستقل، باید عدم تعیین و امکان درد و رنج را تجویز می‌کرد. به عبارت دیگر، خداوند نمی‌خواست جهان به حالت رباتیک یا مکانیکی باشد؛ زیرا در این صورت به ما آزادی انتخاب و تصمیم نمی‌داد؛ ولی این حق را به ما داد که تصمیم‌های خود را بگیریم، حتی اگر بعضی از این تصمیم‌ها درد و رنج به همراه داشته باشند. در واقع، می‌توان گفت خداوند قادر به خلق جهان دیگر بود؛ اما در آن جهان ما به عنوان انسان وجود نمی‌داشتیم. به نظر می‌رسد وجود ما در این دنیا انتخابی ویژه بوده است و در ایجاد دنیای دیگر، حضور ما منتفی بود و آفرینش و حضور ما برای خدا، برای اینکه جهان هستی در مجموع خیر شود و تمام درد و رنج‌هایی که می‌کشیم را جبران کند، امری باارزش بود.

##### ۵. تأملی بر دیدگاه دیگر کیت وارد درباره مسئله شر

کیت وارد در یکی از آثارش به نام *آیا دین غیرعقلانی است؟*، می‌گوید خداوند نمی‌تواند از وجود شر جلوگیری کند و دلیل اینکه برخی از متدینان این باور را برنمی‌تابند، این است که آن‌ها نمی‌خواهند از این آموزه که خداوند قادر مطلق است دست بردارند. او عقیده دارد اگر می‌خواهیم با واقعیت شر کنار بیاییم، باید این باور را که خداوند به طور مطلق می‌تواند هر کاری را انجام دهد، کنار بگذاریم و این موضوع هیچ خللی به اعتقاد به خداوند وارد نمی‌کند

خداوند برای ایجاد ما، به عنوان انسان‌های مستقل باید دنیایی مانند جهان کنونی خلق کند. اما می‌شود این پرسش را مطرح کرد که آیا نمی‌شد انسان‌ها با استقلالی کمتر خلق شوند و به صورتی دیگر آفریده شوند تا درد و رنجی کمتر را تجربه کنند. وارد می‌گوید در یک جهان متفاوت، ما، یعنی من و شمای فردی نه نوعی، هرگز وجود نداشتیم. انسان‌هایی که در این سیاره زندگی می‌کنند، فقط می‌توانستند در این جهان ویژه ظهور کنند و امکان وجود داشته باشند. این نکته گویا به شرایط طبیعی و زمینه‌های استقرار انسان در جهان اشاره دارد. حتی اگر قرار باشد انسان‌ها در آینده در جهانی بهتر، برای مثال بهشت وجود داشته باشند، باید ابتدا در این جهان به وجود بیایند (Ward, 1996, p. 193). به نظر می‌رسد منظور وارد این است که یا در این جهان به دنیا می‌آیدیم یا اصلاً وجود نداشتیم. وجود ما به دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، بستگی دارد. به عبارتی، اگر ما در این جهان متولد می‌شویم، وجود داریم و واقعی هستیم؛ اما اگر در این جهان متولد نشویم، به نظر می‌رسد مفهوم وجود ما نیز معدوم و بلامصدق می‌شود.

شاید کسی دیدگاه بالا را بپذیرد و این باور را داشته باشد که بودن بهتر از نبودن است؛ اما هنوز برای چنین فردی قابل پرسش و تأمل برانگیز باشد که چرا خداوند به جای اینکه جهانی بهتر را ایجاد کند، جهان موجود را خلق کرد. گاهی وارد می‌گوید تنها راه ممکن برای اینکه خداوند موجودات آزاد (انسان‌ها) را بیافریند، تجویز درد و رنج زیاد بود. در این روش فکری وارد، وجود درد و رنج به عنوان یکی از عوامل طبیعی زندگی انسانی در نظر گرفته می‌شود و خلق موجودات آزاد فقط زمانی امکان‌پذیر است که مؤلفه جدایی‌ناپذیر آن، یعنی احساس درد و رنج وجود داشته باشد. به تعبیری، اگر خدا انسان‌ها را آزاد بخواهد، باید اجازه دهد آن‌ها درد و رنج را تجربه کنند. او در کتاب *فعل الهی*، می‌گوید: «خداوند نمی‌تواند جهانی را بیافریند که در آن موجودات مختار، همواره خیر را برگزینند» (Ward, 1990, p. 68). طبق این دیدگاه، اگر

آن را نمایان می‌کند، مستقل بودن آن است. در اینجا، نقدهای مطرح‌شده بر دیدگاه کیت وارد و همچنین، پاسخ‌های او به انتقادات را بیان می‌کنیم.

### الف) چالش خدای شر

وارد ادعا می‌کند خیر دارای ارزش عینی و ذاتی است و با وجود خدا پیوند خورده است. در پاسخ، دو ادعای بدیل وجود دارند. اولاً، شاید چیزی به نام خیر ذاتی و عینی وجود نداشته باشد. به تعبیری، وارد رویکردی ضد واقع‌گرایانه به اخلاق داشت. ثانیاً، خدای شر، صورت نهایی شر است و بنابراین، هر چیزی که این خدا از آن لذت می‌برد و خواستار آن است، یعنی درد و رنج مخلوقاتش، دارای ارزش ذاتی است. ممکن است خدای شر یک سادیست باشد که از رنج دیگران لذت ببرد و بنابراین، لذت حاصل از درد و رنج آن‌ها ذاتاً ارزشمند است. اگرچه به نظر می‌رسد این ادعا قانع‌کننده نیست، همچنان موازنه‌ای است که قوت استدلال وارد را تضعیف می‌کند (Lancaster-Thomas, 2019, pp. 39-45).

تلاش وارد برای اثبات عدم امکان خدای شر این است که موجودی که دارای علم مطلق است و علم به رنج دارد، نمی‌تواند عمداً باعث رنج دیگران شود. استدلال او این است که خداوند عالم مطلق و دارای همدلی کامل است؛ یعنی نحوه تجربه و حالت‌های ذهنی و روانی هر انسانی از جمله رنج را به نحوی دقیق و عمیق حس می‌کند و خداوند نیز قادر مطلق است و می‌تواند این خواسته‌ها را محقق کند و باعث برطرف شدن رنج شود.

اما اگر به نظر وارد، خداوند خیرخواه محض است، آنگاه این واقعیت که انسان‌ها رنج می‌برند، نشان می‌دهد خدای خیر نمی‌تواند وجود داشته باشد و خدای خیر باید از هرگونه رنج انسانی اجتناب کند (Lancaster-Thomas, 2019, pp. 39-45).

ب) هدف از خلقت جهان، ابهام در معنای عشق،

### خیر اخلاقی یا زیبایی‌شناختی

کیت وارد معتقد بود هدف از خلقت جهان عشق و رابطه با آن است؛ اما آیا این هدف در جهان محقق شده

(Ward, 2011, p. 32). خداوند قدرت غایی است که همه قدرت‌های دیگر از او ناشی می‌شوند و او تنها موجود قائم بالذات است؛ اما این بدان معنا نیست که خداوند بتواند هر کاری را از جمله جهانی بدون هیچ‌گونه شری بیافریند. در واقع، اگر خداوند علت غایی هر چیزی است، علاوه بر علت خیر، علت شر نیز هست. بعضی از متدینان ممکن است این مسأله را که خدا علت شر است را نپذیرند؛ اما علت شر چیست؟ حتی اگر شیطان یا عوامل شیطانی دیگر را علت شر بدانیم، خداوند علت وجود آن‌ها است؛ بنابراین، خداوند همچنان علت نهایی شر است. کیت وارد این توجیه که شر فقدان خیر است را ناامیدکننده می‌داند؛ زیرا فقدان خیر باعث درد بی‌کران می‌شود و اگر خداوند قادر مطلق است، باید مانع آن شود (Ibid).

کیت وارد می‌گوید: «افلاطون و ارسطو با اعتقاد به این موضوع که ماده مستقل از خداوند وجود دارد، در پی اجتناب از این باور بودند که خداوند عامل نهایی شر است». ماده نوعی آشوبناکی ازلی دارد که بدون آغاز و پایان است و خداوند به نوعی به آن نظم می‌دهد. می‌توان شر را نیروی آشوب و قدرت و نیرویی مستقل از خداوند دانست. خداوند نهایت تلاش را می‌کند تا زیبایی، نظم و خیر را از آشوب اولیه، حتی اگر همواره تهدیدی برای نابودی نظم و خیر باشد، به وجود آورد (Ibid). در نهایت، وارد عقیده دارد خداوند غیرقابل تغییر است و همان است که هست؛ بنابراین، اعتراض به این موضوع که خدا باید جهانی بهتر را می‌آفرید، بی‌فایده است؛ زیرا در این صورت، خداوند باید به گونه دیگر و متفاوت باشد. به هر حال، خداوند قادر مطلق نیست، اگرچه قدرت او بی‌نظیر است (Ibid, p. 39) و هیچ موجودی از لحاظ قدرت بر او برتری ندارد.

### ۶. نقد و ارزیابی دیدگاه کیت وارد درباره مسأله شر

ادعای اصلی کیت وارد در حل مسأله شر این بود که اولاً، هدف خدا از آفرینش جهان عشق و زیبایی است و ثانیاً، خداوند صرفاً قادر به ایجاد این جهان منحصر به فرد با خطر شر موجود در آن است و آنچه جنبه بسیار انحصاری

(Ibid, p. 49). به عقیده وارد، اگر خدا خواستار دنیایی مستقل است، امکان طبیعی رنج ناشی از ضرورت متافیزیکی است.

وارد باور دارد خداوند قادر به اداره همه اوضاع و احوال جهان نیست. ضرورت‌های متافیزیکی وجود دارند که مانع تصمیم‌های خدا می‌شوند. به عقیده وارد، این موضوع که یک جهان مستقل باید حاوی شر باشد، یک ضرورت متافیزیکی است که توسط خداوند انتخاب نشده است و خداوند تصمیمی بر خلق آن نداشته است؛ یعنی گویا ضرورت‌های متافیزیکی مستقل از خداوند هستند؛ اما جهانی مستقل که ما انسان‌ها در آن وجود داریم و ساکن آن هستیم، تصمیم و انتخاب آزادانه خداوند است.

به نظر می‌رسد خداوند صرفاً مسئول محقق ساختن و به فعلیت رساندن دنیای فعلی است؛ در حالی که می‌توانست این کار را نکند. در واقع، خداوند به‌تنهایی مسئول و بانی خلق جهان موجود است و توانایی عدم انتخاب و عدم وجود این دنیا را داشت. به عبارت ساده‌تر، خداوند مسئول شرور محقق و بالفعل نیست؛ زیرا او فقط جهانی را آفریده است که از لحاظ فیزیکی ممکن است و ضرورتی ندارد به فعلیت برسد. زمانی که شرور محقق می‌شوند، این خدا نیست که آن‌ها را واقعی می‌کند، بلکه شخص (موجود) دیگری است. این عقیده ممکن است به این معنا باشد که مسئولیت شرور واقعی عالم به عهده و انتخاب انسان‌ها و سایر عوامل دیگر است و خداوند مسئول آن‌ها نیست. از آنچه گفته شد، برمی‌آید که وارد باور دارد خداوند دارای میزان و گستره‌ای محدود از قدرت است.

وارد مدعی است خداوند ذاتاً دارای ضرورت‌های متافیزیکی است و این امر بر میزان قدرتی که خداوند دارد نیز صدق می‌کند و استدلال می‌کند اگر خداوند دارای قدرت بی‌کران و بی‌نهایت بود، به‌راحتی می‌توانست جهانی بدون رنج را خلق کند. به نظر می‌رسد وارد از نظریه قدرت محدود درباره خداوند، برای پاسخ به این پرسش که چرا خداوند نمی‌تواند جهانی مستقل بدون امکان طبیعی رنج بیافریند، استفاده می‌کند (Ibid, p. 27).

است؟ عشق خداوند نسبت به موجودات و انسان‌ها به چه معناست؟ آیا بدین معناست که آن‌ها درد و رنجی بیشتر بکشند؟ از سوی دیگر، او باور داشت خدا جهان را به خاطر زیبایی‌اش به وجود آورده است. حتی اگر این هدف محقق شده باشد، به نظر می‌رسد خدای متصور او بیشتر دغدغه زیبایی داشته است تا کاهش شرور. خدای کیت وارد خواستار پرداختن هر هزینه‌ای برای شرور در راستای دستیابی به ارزش زیبایی‌شناختی، یعنی استقلال جهان است. چنین خدایی از لحاظ اخلاقی غیرقابل تحمل است. در واقع، او احساسات و درد و رنج انسانی را برای اهداف زیبایی‌شناسی فدا کرده است و این اهداف را بر شروری که بشر متحمل می‌شود، ترجیح می‌دهد.

او باور داشت خداوند به ارزشمندی جهان با آفریدن موجوداتی مانند انسان‌ها، می‌افزاید. آیا شروری مانند سرطان و بیماری‌های لاعلاج دیگر و درد و رنج مبتلایان به آن بیماری‌ها، با ارزش انسانی سازگاری دارند و ارزش جهان را کم نمی‌کنند؟

#### پ) خداوند نباید شرور حقیقی را تجویز کند یا وقوع آن‌ها را جایز بشمارد.

یکی از نقدهایی که بر دیدگاه وارد مطرح می‌شود این است که چرا خداوند مانع وقوع شرور حقیقی (شروری که وجود آن‌ها بدتر شدن جهان را به دنبال دارد) نمی‌شود. به عبارت دیگر، اگر خدایی قدرتمند جهان را کنترل می‌کند، نباید اجازه وقوع شرور واقعی را بدهد. وارد درباره این نقد به دو تمایز مهم اشاره می‌کند. از یک طرف، تمایزی بین اراده پیشین و پسین یا ازلی و تبعی خداوند وجود دارد و از طرف دیگر، او بین شرور واقعی و امکان آن شرور تمایز قایل می‌شود (Ward, 1990, p. 41). به نظر وارد، اراده پیشین الهی بر این تعلق گرفته است که کسی رنج نکشد؛ اما به نظر خداوند، رنج موجود در این جهان نوعی ضرورت طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. به نظر می‌رسد خداوند نمی‌خواهد رنج یک امکان طبیعی باشد؛ اما برحسب ضرورت متافیزیکی، رنج امکان طبیعی در جهانی مستقل است که خداوند از قبل می‌خواهد

پاسخ وارد این است که خداوند خواستار جهانی ویژه و منحصر به فرد با خیرهایی بی نظیر از زیبایی، به ویژه خیر منحصر به فرد برای انسان‌های مستقل است. برای تحقق این امر، یعنی جهان مستقل، خداوند جهانی با الگوهای قانونی و نامتعیّن را آفرید و فرآورده این جهان این است که شروری در آن رخ می‌دهند که خداوند نمی‌تواند مانع آن‌ها شود. به هر حال، از آنجا که وارد به آفرینش از عدم و خدای قدرتمند باور دارد، نتیجه باور او این است که خداوند این جهان را آفریده است. جهانی که خداوند نمی‌تواند مانع شروری آن شود، باید دلیلی موجه برای این هدف داشته باشد.

**ت) استقلال نیاز به رنج ندارد و خداوند می‌تواند جهانی عاری از شر اما مستقل را خلق کند.**

نقدی دیگر که بر دیدگاه کیت وارد در تبیین مسأله شروری وارد است، این است که برای داشتن استقلال و خودمختاری، فرد نیازی به تحمل درد و رنج ندارد؛ یعنی افراد می‌توانند استقلال خود را بدون هرگونه رنجی به دست آورند و نباید تصور کرد صرفاً از طریق تحمل شروری می‌توان مستقل بودن را حاصل کرد. خداوند می‌تواند جهانی امن و فارغ از شر را ایجاد کند که انسان‌ها بتوانند در آن، استقلال خود را رشد و پرورش دهند. به نظر می‌رسد لازمه مستقل بودن، زلزله و سرطان نیست. پاسخ وارد این است که خداوند برای اینکه به ما اراده آزاد (اختیار) بدهد، عدم تعین را تجویز کرد؛ به این معنا که خداوند از قبل هیچ چیزی را موجبیت و ضرورت نبخشیده است و این عدم تعین در جهان، ما را در معرض شروری طبیعی قرار می‌دهد و ممکن است باعث بروز رخدادهای طبیعی شود؛ یعنی همه موجودات از قدرت ذاتی برخوردار هستند که خداوند نمی‌تواند آن را خنثی و بی‌اثر کند.

خداوند می‌تواند جهانی مشتمل بر موجودات مستقل، بدون تجویز رنج خلق کند یا اینکه در آن، رنج کاهشی چشمگیر داشته باشد. چرا خداوند به جای آفریدن جهانی امن و بدون هیچ‌گونه بیماری یا بلائی طبیعی که در آن

در رابطه با قدرت خداوند، این نکته را باید گفت که ارزیابی این موضوع که چه میزان قدرت برای ایجاد جهانی با رنج یا بدون آن لازم است، بسیار دشوار است؛ زیرا جهان آن قدر پیچیده و تودرتو است که ما انسان‌ها نمی‌توانیم بفهمیم هنگام خلق آن چه اموری ممکن یا غیرممکن هستند؛ با وجود این، در نگاه اول، معقول به نظر می‌رسد که اگر قدرت خداوند محدود است، امکان‌های او نیز محدودیت‌هایی دارند. اگرچه باید اذعان کرد ارزیابی این موضوع که چه جهانی برای آفریدن ممکن است، فراتر از فهم ما است.

وارد اصل انسان‌محوری و پدیده به‌هم‌پیوستگی جهان را به عنوان مبنا و تأیید این نکته در نظر می‌گیرد: «ایجاد جهانی که انسان‌ها در آن بتوانند رشد کنند دشوار است و شاید فقط گزینه‌ها و شق‌هایی اندک از لحاظ متافیزیکی برای این امر (ساختن جهانی مانند این جهان موجود) ممکن باشند» (Ward, 1998, p. 94). به نظر می‌رسد از توجیه وارد برای حل مسأله شر می‌توان این‌گونه برداشت کرد که او معتقد است قدرت خداوند محدود است. او می‌گوید با توجه به کثرت شروری در این جهان، باید ضرورت‌های ذاتی در ماهیت خداوند را جدی گرفت (Ibid, p. 67) که به نوعی قدرت خداوند را محصور کرده‌اند.

این موضوع که وارد معتقد به محدودیت قدرت خداوند در راستای ممانعت از شروری است، قابل قبول نیست؛ زیرا از تلقی وارد درباره خداوند، این‌گونه فهم می‌شود که او قدرتمند است. به نظر او، خداوند ماده و قوانین طبیعی را از عدم خلق کرده است و او می‌تواند هر چیزی را از نیستی خلق کند. حتی از آنجا که وارد باور دارد خداوند قادر است به همه انسان‌ها سعادت ابدی اعطا کند، به قدرت نامحدود خداوند اشاره دارد. اما اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا این سعادت را در این جهان اعطا نمی‌کند. آیا این موضوع دال بر ناسازگاری در سخنان او نیست؟ حتی ممکن به نظر می‌رسد که خداوند با قدرتی محدود و مشخص که وارد به او نسبت می‌دهد، همچنان بتواند جهانی را با رنج کمتر یا حتی بدون رنج بیافریند و مانع شروری در این جهان شود.

مرگ و میر فراوان است» (Ward, 2006, p. 53). خداوند از طریق فرایند تکامل، انسان‌ها و موجودات مستقل دیگر را ایجاد کرده است. گویا به نظر او مرگ و رنج ناشی از تکامل نقص اساسی برای خداوند نیستند و جزء طرح او هستند؛ اما مبهم به نظر می‌رسد که بگوییم مرگ یا دست‌کم درد و رنج آن برای زندگی ضروری است؛ به این معنا که برای زندگی جدید و پویا، باید قسمت‌هایی از زندگی قبلی پایان یابند. با قدرتی که کیت وارد به خدا نسبت می‌دهد، خداوند می‌تواند حجمی عظیم از امکانات زیستی را فراهم کند، جهش‌ها و ترکیب‌های ژنی را ایجاد کند یا گونه‌هایی را از عدم خلق کند. این عبارت که مرگ برای زندگی ضروری است، مستلزم قبول نظریه داروین است که در آن، بسیاری از شرایط مناسب نبود. برای مثال، بعضی از موجودات در اثر کمبود غذا بمیرند؛ اما در توجیه مسئله شر و ارتباط آن با خدای قادر، این پرسش مطرح می‌شود که چرا شرایط نامساعد است یا به اصطلاح چرا غذا کم است؟ وارد تصریح کرده است که اگر زندگی بسیار مستقل باشد، به این معنا که در مقیاسی بزرگتر خودساخته و خودسرانه باشد، مرگ برای آن ضروری است. گویا دیدگاه او به این نظر اشاره دارد که شر طبیعی مؤلفه‌ای ضروری از آشفتگی و بی‌نظمی است که موجودات را مستقل می‌کند (Pannenberg, 1991, V. 2, p. 118).

به نظر وارد، زندگی مستقل نیاز به فرایند طولانی دارد و حتی خدا هم نمی‌تواند به‌تنهایی و در یک آن، از عدم چیزی را بیافریند که خودساخته و مستقل باشد. در نظرگاه او، همان‌طور که بیان شد، مرگ بخشی از طرح الهی و زندگی مستقل برای انسان‌هاست. انسان‌ها از طریق تجربه‌های زندگی و مرگشان، به استقلال نزدیک می‌شوند. به نظر می‌رسد هنوز این پرسش به قوت خود باقی است که آیا استقلال ارزش این همه رنج را که لازمه آن است، دارد و انسان‌ها چگونه با مرگ به استقلال نزدیک می‌شوند.

اما به نظر کیت وارد، خداوند هر نمونه‌ای از رنج را به منظور تصمیم‌گیری درباره تجویز یا عدم تجویز آن در نظر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، مصداق شر در

انسان‌ها بتوانند آزادانه به عنوان موجوداتی مستقل رشد کنند، چنین دنیای مخاطره‌آمیزی که نمی‌تواند مانع شرور آن شود را خلق کرد؟ اما، همان‌طور که گفته شد، وارد این استدلال را نیز نمی‌پذیرد؛ زیرا او معتقد است چنین کاری برای خداوند به علت وجود ضرورت‌های متافیزیکی مربوط به قدرت خداوند و انواع امکان‌های متافیزیکی که مرتبط با خداوند هستند، غیرممکن است.

یکی از استدلال‌هایی که وارد به سود این ادعا مطرح کرد که خدا نمی‌تواند بسیاری از شرور را ریشه‌کن کند، این است: «اصل انسان‌محوری و توجه به انسان و به‌هم‌پیوستگی جهان حاکی از این است که راه‌هایی زیاد برای آفریدن جهان حاوی موجودات مستقل وجود ندارند» (Ward, 1998, p. 94). اصل انسان‌محوری (انسان‌نگری) بیان می‌کند صرفاً تغییراتی اندک در بسیاری از ثوابت جهان مستلزم این است که جهان وجود نداشته باشد یا به اصطلاح وجود آن متفی شود (Ward, 1990, p. 59)؛ یعنی اگر شرایط فیزیکی اندکی تغییر کند، این زندگی نیز امکان‌پذیر نیست و وجود جهان صرفاً به‌گونه‌ای ویژه امکان‌پذیر است. به عبارتی، امکان‌های متافیزیکی زیادی برای خلق این جهان به‌آسانی در دسترس نیستند. جهانی که ما اکنون شاهد آن هستیم، با هر تغییری در راستای از بین بردن شرور سازگار نیست. طبق این تلقی، شفای بیماری‌هایی مانند سرطان و ... مستلزم مداخله در پیچیدگی‌های جهان است.

### ث) استقلال، ارزش رنج ندارد.

نقدی دیگر که علیه وارد وجود دارد، این است که آیا هدف خداوند برای آفرینش جهان ارزش این همه رنج را دارد؟ زمانی که رنج‌هایی بسیار ناگوار و نابه‌جا در آن وجود دارد، آیا صرف تمرکز خداوند بر زیبایی جهان کافی است؟ آیا هدف خداوند که استقلال جهان است، بر تمام رنج‌هایی که رخ می‌دهند، می‌چربد و خطراتی که خداوند برای چنین آفرینشی اتخاذ می‌کند را توجیه می‌کند؟ وارد باور دارد: «خداوند در طی فرآیند تکامل موجوداتی مستقل را آفریده است که این فرآیند مستلزم

بتوان مطمئن شد این مکاشفه از طرف اوست  
(Swinburne, 2007, p. 112).

وارد در پاسخ به این پرسش که آیا خیری که در استقلال جهان نهفته است، ارزش همه شرور را دارد، سعادت ابدی را به عنوان خیر مطرح کرد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود: آیا راهی بهتر برای حصول سعادت جاودانه وجود ندارد؟ حتی اگر سعادت ابدی بر شرور این جهانی بچربد، چرا در قبال ایجاد دنیایی از سعادت ابدی، ابتدا باید رنج کشید؟ به عبارت دیگر، چرا نمی‌توانیم بدون تحمل رنج دنیوی با یک جهان عاری از هرگونه درد و رنج (سعادت ابدی) مواجه شویم؟ رنج یا استقلال برای تجربه سعادت جاودانه ضروری نیست؛ بنابراین، چرا خداوند، این جهان مستقل را با همه رنج‌هایش آفرید یا چرا اجازه نداد انسان‌ها با روش‌ها و مسیرهایی که درد و رنجی کمتر به دنبال دارند، سعادت ابدی را تجربه کنند؟ پاسخ وارد به پرسش بالا این است: «من و شما نمی‌توانیم و برای ما امکان‌پذیر نیست مسیری دیگر را به سوی سعادت ابدی تجربه کنیم. خداوند می‌تواند موجوداتی دیگر را بیافریند که اولاً رنجی نداشته باشند و بعد از آن سعادت ابدی داشته باشند یا بلافاصله در سعادت ابدی آفریده شوند، اما من و شما دیگر نبودیم؛ زیرا ما فرآورده و محصول این دنیای مستقل هستیم» (Ward, 1998, p. 192)؛ یعنی جهان مستقل بر ما و بر شکل‌گیری شخصیت ما تأثیر دارد. به عبارت دیگر، وجود و شخصیت ما به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم و خود را به آن پیوند داده‌ایم، بستگی دارد؛ این بدان معنا است که شما نمی‌توانید اعتراض کنید که خدا باید از آغاز، شما را در جهانی بهتر می‌آفرید؛ زیرا در آن صورت این شما نبودید که خلق شده بودید، بلکه شخصی دیگر بود. این اعتراض مانند آرزوی داشتن والدین دیگر است؛ زیرا امکان ندارد شما والدینی دیگر داشته باشید، این شخصی دیگر بود که والدینی دیگر داشت؛ بنابراین، ما انسان‌ها محصول این جهان هستیم.

ما می‌توانیم اعتراض کنیم که خداوند هنوز هم می‌تواند در این دنیایی که هستیم با ما بیشتر تعامل و

تصمیم‌گیری خداوند مهم نیست و خداوند منظری گسترده‌تر و کلی‌تر به جهان دارد و درکی بهتر از آنچه برای کل جهان بهتر است، دارد. نمونه‌هایی بسیار زیاد از رنج وجود دارند که خداوند نمی‌تواند در سیستم و نظامی که ساخته است مانع آن‌ها شود. خداوند قادر است به این سیستم پایان دهد یا آن را طوری که هدف استقلال (جهان) تخریب شود، مختل کند؛ اما مادامی که او خواستار این فرآیند در جهان است، اوضاع و موقعیت‌هایی بسیار وجود دارند که نمی‌تواند مانع آن‌ها شود. به عبارتی، خدا می‌تواند در هر زمانی که بخواهد کل این فرآیند را متوقف کند؛ اما تا زمانی که این وضع ادامه دارد، شرور در جهان وجود دارند. با این حال، می‌توان این پرسش را از کیت وارد پرسید که آیا هدف استقلال برای کل جهان به اندازه کافی موجه است تا خطر ایجاد جهانی را بپذیریم که شرور زیادی در آن وجود دارند. وارد این نکته را که خداوند مسئول شرور در جهان است می‌پذیرد. در یک سطح بنیادین، خداوند دنیایی را ایجاد کرد که در آن امکان وقوع شرور وجود دارد، حتی اگر خداوند تحقق این شرور را نخواهد. به نظر وارد، از آنجا که استقلال جهان برای خداوند ارزشمند است، او موارد جزئی ایجادکننده رنج را در نظر نمی‌گیرد، بلکه در عوض، او سعادت ابدی را پیشنهاد می‌کند که به طرز جالب توجه همه شرور را جبران می‌کند (Ward, 2006, p. 139). البته شاید کسی ادعا کند خدا گاهی از طریق دعا یا از طریق عیسی مسیح شفا می‌دهد؛ یعنی موارد جزئی از رنج را از بین ببرد. پاسخ این است که خداوند دلیلی مشخص برای ایجاد استننا بر هدف کلی استقلال دارد و آن ارائه یک مکاشفه به افرادی است که دنبال آن هستند. از آنجا که هدف از وجود ما رابطه با خدا است، بهتر است خدا راهی را به این افراد نشان دهد. این امر مستلزم آن است که افراد مکاشفه‌ای قاطع از خود نشان دهند. بسیاری از افراد ادعا می‌کنند کشف و شهودهایی از طرف خداوند داشته‌اند؛ در حالی که بهتر است خدا به اصطلاح امضای ویژه خود را بر مکاشفه آن‌ها بگذارد تا

می‌توانست بدون آن، جهان را بسازد، گرفته است. از آنجا که خداوند هیچ تعهد و الزامی برای ایجاد این جهان ندارد و فقط به رضایت و اختیار خود عمل می‌کند، بدون اینکه کسی او را محدود کند، این اعتراض به‌جا نبود که چرا خدا این جهان را همراه با رنج آفریده است. به عبارت دیگر، اگر رنج‌های ما در زندگی این جهانی با راحتی‌ها و خوشی‌های ابدی جبران می‌شوند، خدا به خاطر ایجاد این جهان مقصر و قابل سرزنش نیست؛ اما هنوز همان پرسش مهم باقی است که چرا خدا دنیایی بهتر را خلق نکرد. پاسخ وارد مبنی بر اینکه خداوند قادر به انجام این کار نیست، موجه نیست. هرچند او صراحتاً این جواب را نمی‌دهد؛ زیرا باور دارد خداوند جهانی بهتر را برای انسان‌ها بعد از این زندگی، ایجاد خواهد کرد (Ward, 1990, p. 217). به هر حال، پاسخ وارد به این انتقاد که خداوند باید جهانی بهتر را می‌ساخت، این است که خداوند این جهان را به خاطر خیرهای بی‌بدیل و انحصاری که در آن محقق شده‌اند، آفریده است؛ اما وارد به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که چرا خداوند جهانی نابه‌سامان و نامناسب، یعنی جهانی که مردم زیادی در آن رنج می‌برند را ساخت که پریشی مربوط به چرایی وجود بلاها و زیان‌باری و نامعقول بودن آن‌ها در زندگی بشر است.

#### ۷. ارزیابی و نتیجه‌گیری

مسئله شر این‌گونه به نظر می‌رسد که بین باور به خدای خیر و قادر مطلق و اعتقاد به وجود شرور در جهان، ناسازگاری و تعارض وجود دارد. شر در اینجا به معنای وسیع مدنظر است و شامل شرور انسانی و طبیعی می‌شود. راه‌حلهایی متعدد برای این مسئله وجود دارند که یا منکر خیر بودن خداوند هستند یا شرور را در جهان انکار می‌کنند. مفاد راه‌حل کیت وارد این است که خدا خیر و قادر مطلق است و شر در جهان وجود دارد؛ اما تناقض صرفاً ظاهری است نه واقعی؛ زیرا او ادعایی دیگر را به آن ضمیمه می‌کند: این که خداوند خواسته است جهانی مستقل را خلق کند.

ارتباط داشته باشد؛ یعنی در راستای کاهش شرور اقدامی انجام دهد. از سخنان وارد این‌گونه برمی‌آید که این جهان، از آن نوع جهانی نیست که در آن، خداوند همیشه و هر زمان با انسان‌ها ارتباط داشته باشد؛ ما انسان‌ها فقط در جهانی می‌توانیم به وجود بیاییم که در آن، خداوند در بعضی مواقع با ما در ارتباط باشد.

#### ج) موجودات دارای استقلال کمتر، بهتر هستند.

با توجه به این موضوع که وجود من و شما صرفاً در این جهان امکان‌پذیر بود، این پرسش در پاسخ به کیت وارد در توجیه مسئله شر وجود دارد که چرا خداوند به‌جای خلق این جهان مستقل با تمام محدودیت‌هایش، جهانی دیگر با رنج کمتر نیافرید. فرض می‌کنیم این پاسخ که ما ساکنان واقعی زمین، نمی‌توانستیم در جهانی دیگر وجود داشته باشیم موجه باشد؛ اما هنوز جای این پرسش تا حدی معقول هست که چرا خداوند جهانی بهتر را خلق نکرد. چرا خداوند این جهان مستقل را خلق کرده است؟ در پاسخ به این پرسش، کیت وارد به زیبایی، عشق، یادگیری، فضائل اخلاقی و مانند آن اشاره می‌کند؛ اما می‌توان ویژگی‌های بالا را از راه‌های دیگر و با رنج کمتر به دست آورد. به نظر می‌رسد این اهداف رنج را توجیه نمی‌کنند. به نظر وارد، این زیبایی‌های برجسته و ممتاز و این عشقی که با وجود انسان‌های مستقل، محقق می‌شود، منحصر و مخصوص این جهان هستند؛ اما، از لحاظ روان‌شناختی و گذر عاطفی، به نظر می‌رسد این اعتراض به قوت خود باقی است که انتظار از یک موجود یا خدا که به او قدرت و خیرخواهی نسبت داده شده است، آن است که دنیایی با کمترین رنج و رنج‌برانگیزی را ایجاد کند. می‌توان گفت وجود جهان خیر محسوب می‌شود و زیبایی‌ها، عشق و افراد منحصربه‌فرد آن، صرفاً در اینجا، یعنی در زمین امکان‌پذیر هستند؛ اما ممکن است در جهان دیگر، خوبی‌ها و خیرهای منحصربه‌فرد دیگری وجود داشته باشند؛ به طوری که دیگر در آن جهان دنبال پاسخ این پرسش نبودیم که چرا خدای خیرخواه و قدرتمند تصمیم به ایجاد جهانی با این همه رنج، در حالی که

جهش‌هایی شود که بیماری‌هایی ناشی از ویروس‌ها و باکتری‌ها را به وجود می‌آورند.

بحث دیگر این است که چرا خدا به نحوی بیشتر در جهان مداخله نمی‌کند و صرفاً در زمان‌هایی مشخص این کار را می‌کند. به تعبیری، چرا گاهی از طریق معجزه مردم را شفا می‌دهد؛ اما گاهی نه؟ نظر کیت وارد این بود که اگر خدا خواستار جهان مستقل باشد، نباید بیش از حد در قوانین عادی جهان اختلال ایجاد کند و او در پاسخ به این پرسش که چرا خدا گاهی به طور مستقیم یا از طریق افرادی ویژه مانند مسیح، درد و رنج افرادی را از بین می‌برد، معتقد بود استثنا نفی قاعده نمی‌کند و برای توجیه این شبهه، به مکاشفه و کشف و شهود افراد ویژه اشاره کرد که به نوعی تجربه دینی دارند و به اصطلاح دست خدا را در زندگی مشاهده می‌کنند.

در نهایت، این پرسش مطرح می‌شود که آیا خدا نمی‌توانست جهانی را خلق کند که در آن، بتوان بدون رنج، استقلال پیدا کرد؟ وارد معتقد بود ساختارها و اصول متافیزیکی بنیادینی در واقعیت وجود دارند که خدا آن‌ها را نیافریده است و آن‌ها بخشی از وجود خداوند هستند؛ زیرا خدا شامل همه آنچه در او وجود دارد، است. وارد باور داشت قدرت مطلق خدا به معنای آن نیست که هر چیزی را که قابل تصور است انجام دهد، بلکه به این معناست که خدا به اندازه آنچه از لحاظ متافیزیکی ممکن است، قدرتمند است.

## Reference

### Holy Scriptures

- Lancaster-Thomas, A. (2019). The Possibility of an Evil-God: A Response to Ward. *Think*, 18(51), 37-46.  
<https://doi.org/10.1017/S1477175618000337>
- Ledbetter, S. C. (2013). Process Theology. In I. S. Markham (Ed.), *The Student Companion to the Theologians*. Oxford: Blackwell Publishing Ltd.
- Pannenberg, W. (1991). *Systematic Theology*. Michigan, Eerdmans Publishing Company.
- Swinburne, R. (2007). *Revelation: From Metaphor to Analogy* (2<sup>nd</sup> ed.). Oxford, Oxford University press.
- Ward, K. (1982). *Rational Theology and the Creativity of God*. Oxford, Basil Blackwell Publications.

اما پرسش این است که چرا خدا در ابتدا دنیایی را خلق کرد که در آن رنج ممکن است. توجیه وارد این است که خدا خواست دنیایی مستقل با موجوداتی مستقل را خلق کند. منظور او نه فقط انسان‌های مستقل، بلکه جهانی مستقل به طور کلی است. جهانی که در آن همه چیز تحت کنترل خدا نیست، بلکه خود جهان ارزش‌هایی جدید و خلاقانه را به وجود می‌آورد. در این حالت، خدا به موجودی هنری و خلاق تبدیل می‌شود که نه فقط موجودات را خلق می‌کند، بلکه موجوداتی را می‌آفریند که خود خلق می‌کنند؛ یعنی خدا به انسان‌ها فضایی برای رشد و تکامل خود به طور مستقل داده است.

در متون دینی مسیحیت، به نظر می‌رسد نکاتی دال بر استقلال و مهار جهان توسط انسان‌ها مطرح شده‌اند که ممکن است این‌گونه تفسیر شوند که خدا بخشی از قدرت خود را به انسان‌ها واگذار کرده است که این به معنای یک دنیای خلاقانه است که موجودات آن مستقل عمل می‌کنند.

- اما در این دنیای مستقل باید عدم تعین وجود داشته باشد؛ به این دلیل که طبق نظر کیت وارد، اگر جهان متعین باشد، نمی‌توان در آن اراده آزاد داشت؛ اما جهان نامتعین نیز به وقوع شرور طبیعی مانند بیماری‌ها و بلایای طبیعی منجر می‌شود؛ زیرا این عدم تعین به معنای وقوع اتفاقات پیش‌بینی‌نشده است که شامل شرور طبیعی می‌شوند. به نظر می‌رسد عدم تعین ممکن است باعث ایجاد
- Ward, K. (1990). *Divine Action*. London, Collins Religious Publishing, first published.
- Ward, K. (1996). *Religion and Creation*. New York, Oxford University Press.
- Ward, K. (1998). *God Faith and the New Millennium, Christian Belief in an Age of Science*. Oxford: One World.
- Ward, K. (2006). *Pascal's Fire: Scientific Faith and Religious Understanding*. Oxford, One World Publications.
- Ward, K. (2008). *The Big Questions in Science and Religion*. West Conshohocken, Templeton Foundation Press.
- Ward, K. (2011). *Is Religion Irrational?*, Oxford, An Imprint of Lion Hudson PLC.
- Ward, K. (2015). The Evil God Challenge- A Response. *Think*, 14(40), 43-49.  
<https://doi.org/10.1017/S1477175615000123>